اسناد سیاسی از دو مصیبت بزرگ بین المللی

ژرژ بونه

نامدار، احمد

آیا بسهولت امکان داشت ساحل چپ‏ رودخانه(رن)بفرانسه ملحق شود؟

اخلاقا فرانسه با یک چنین طرحی‏ مخالف بود.اگر فرانسه مبادرت بجنگ‏ کرد برای استقرار و حفظ صلح بود و بهمین‏ علت اصل(حقوق بشر)را عنوان کرد و بجانبداری از آن برخاسته بود.

پس امکان انجام نظر فوش در میان‏ نبود.

اندره تاردیو Andre Tardiu در 2 مارس 1919 پیشنهاد نمود که سرحدات‏ غرب آلمان که برودخانه(رن)منتهی میگردد و همچنین ساحل چپ این رودخانه باستثنای‏ آلزاس و لورن صورت سرزمین مستقل بخود بگیرد و تحت نظر جامعه ملل درآید.

معذلک در 18 ژانویه که مذاکرات‏ صلح در کنفرانس جریان داشت از تعیین‏ سرحدات مورد بحث که مورد علاقه فراوان‏ مارشال فوش بود صحبتی نشد و در جلسات‏ بعدی هم یادی از آن نکردند.

پس باید دید چه کار میکردند؟

به عوض رسیدگی بیک چنین امر حیاتی‏ همه مشغول بذل و بخشش مستعمراتی بودند که آلمان در چین داشت و میخواستند آنرا به‏ ژاپن منتقل کنند و یا اینکه باختلافات‏ موجود بین رومانی و یوگوسلاوی برسند. پس از انجام این نوع مذاکرات ویلسن بامریکا برگشت تا بکارهای داخلی و مشکلات- موجود امریکا رسیدگی کند.

قبل از 14 مارس ویلسن نتوانست به‏ اروپا برگردد.البته این سه ماه برای لوئید جرج فرصت مناسبی بود که بتواند پیشنهادات مارشال فوش را تخطئه کند و آنرا از اثر بیاندازد.اینمرد بارها به کلمانسو گفته بود (ما نباید کاری کنیم که یک آلزاس و لورن‏ جدیدی بوجود آید)ولی حقیقت چیز دیگری‏ بود یعنی اینمرد نمیخواست فرانسه بطور قطع در سواحل رود(رن)مستقر شود.با این نیت نظر موافق ویلسن را جلب نمود و به کلمانسو پیشنهاد کردند که انگلستان و امریکا حاضرند در مقابل هر نوع تجاوز احتمالی آلمان به فرانسه از این کشور دفاع‏ کنند.لوئید جرج فراموش کرده بود که ملت‏ امریکا هیچوقت حاضر نخواهد گردید چنین‏ تضمینی بسپارد.کلمانسو از مشکلات ویلسن‏ در قبولاندن چنین تضمینی آگاه بود بهمین‏ علت با خوشحالی پیشنهاد مزبور را پذیرفت‏ ولی از تکرار این مطلب هم خودداری نکرد که‏ اشغال جناح چپ رود(رن)برای فرانسه امر حیاتی است.بالاخره در تاریخ 22 آوریل‏ موافقتی بدینصورت حاصل شد که امریکا و انگلستان متفقا تضمین میکنند در مقابل هر نوع تهاجمی به خاک فرانسه از این کشور دفاع‏ کنند.در این فاصله قرار شدمتفقین مناطق‏ ساحل چپ رودخانه(رن)را اشغال کنند و هر پنج سال یکبار مدت آنرا تجدید نمایند اگر مشاهده کردند آلمان به تعهدات خود وفا دار نمانده است بتدریج آنجا را تخلیه‏ کنند.

مارشال فوش به سختی اعتراض کرد و ابراز داشت که با قبول شرط محدود شدن‏ مدت اشغال از طرف کلمانسو ارزش تضمین‏ خنثی شده است اعتراض فوش جزو نماند و روزنامه‏های فرانسه و انگلستان‏ انتشار دادند.بناچار در آخرین‏ هیئت وزیران فرانسه که بتاریخ 25 آوریل تشکیل می‏یافت و جلسه نهائی بود و در این جلسه باید تکلیف قرار داد برای‏ روشن میشد فوش به آنجا احضار شد.

یکی از وزیران که در آن جلسه بود من تعریف کرد که در سکوت مرگباری‏ مارشال فوش بتالار جلسه آمد و فورا در دفاع از نظریه خود برآمد و اصرار هر قیمت شده است باید ساحل چپ‏ اشغال شود.

پس از اینکه اظهارات او تمام شد کلمانسو با یک حالت خونسرد به او گفت:

آقای مارشال.در تمام مدت جنگ‏ نظریات شما اطاعت و تبعیت کردیم و حالا نوبت دولت است که تصمیم لازم را بگیرد.

فوش خارج شد و مذاکرات ادامه یافت‏ و باتفاق آراء امضای قرارداد تصویب شد.

در این جلسه فقط یک مخالف بود که‏ متأسفانه او هم حق رای نداشت.ریموند پوانکاره.

اینشخص هرگونه سازش در مورد رودخانه(رن)را یک اشتباه بزرگ می- پنداشت ولی کاری از او ساخته نبود.بعدها یعنی در 23 نوامبر 1933 پوانکاره بمجلس‏ نمایندگان گفت که در همان موقع خیال داشت استعفا کند ولی طبق مقررات موجود بایستی‏ با رؤسای مجلسین مشورت میکرد و چون آنها تجویز نکردند تصمیم گرفت به مسئولیت خود ادامه دهد.

او ماند ولی در یک نامه شدید الحنی که‏ به کلمانسو نوشت نظریات خود را بشرح‏ زیر توجیه کرد:

"در قرارداد هیچگونه شرطی برای‏ کنترل ارتش آلمان در سواحل رود(رن) و یا در قسمتهای دیگر آلمان بچشم نمیخورد" هیچ تضمینی ما نداریم که پس از انقضای 15 سال ارتش آلمان بتدریج باین نواحی سرازیر نشود."

دو هفته بعد یعنی در 6 مه در جلسه‏ای که قبل از 24 ساعت از تسلیم‏ قرارداد به آلمانها تشکیل یافته بود مارشال‏ فوش مجددا ظاهر شد و انتقادات خود را به شدت ایراد نمود و چنین گفت:

"در قرارداد تضمین کافی برای‏ مدت پنج سال هست ولی بعد از انقضای‏ اینمدت آلمان بتدریج قوای خود را احیا خواهد کرد بطوریکه در رأس 15 سال این‏ تضمینها پشیزی ارزش نخواهد داشت. هر کدام از دو طرف رودخانه رن که این‏ رود را در اختیار داشته باشد بر کشور دیگری‏ تسلط دارد.

هرکسی که در ساحل(رن)مستقر نباشد بعکس هیچ ندارد.

از لحاظ اهمیت نظامی بار دیگر تکرار می‏کنم ما باید در ساحل(رن)بمانیم و تحت هیچ عنوان نباید از یک وجب آنهم‏ صرف‏نظر کنیم.ما نباید باتکای تضمینهائی‏ که سپرده‏اند موجبات ضعف خود را فراهم‏ آوریم."

اظهارات فوش نه در نمایندگان و نه‏ در روزنامه‏ها اثر مثبتی نگذارد و همه معتقد بودند فوش موضوع تازه‏ای را بمیان نکشیده‏ است و تکرار مکررات نموده.

مدتی نگذشت که انتقادات شدید نسبت به کلمانسو آغاز شد.او معتقد بود این حملات از طرف مارشال فوش است و این‏ اوست که آتش را دامن میزند.

آقای بونار لاو (Bonard law) که یکی از نمایندگان انگلستان بود فریاد کشید اگر یک مارشال انگلیسی با دولت‏ خود چنین رفتاری کند 5 دقیقه هم در پست‏ خود باقی نمی‏ماند.در جواب او کلمانسو گفت:

"فراموش نکنید که صلح فعلی را ما مرهون همین مردها هستیم‏"

فردا یعنی روز 7 مه قرارداد بنحوی‏ که اشاره کردیم به آلمانها تسلیم شد.